

جایگاه حقوقی مطالبه جراحی‌های زیبایی در روابط زوجین و حدود قابلیت تحقق آن

محمد روشن: دانشیار پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران ایران

مسعود محمودی: دانشجوی دکتری پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

خانواده نهادی بنیادین با کارکردهایی همچون انتظام بخشی به روابط جنسی، تأمین نیازهای عاطفی، تولیدمثل و تضمین استمرار اجتماع بشری است. شکل‌گیری و تداوم خانواده در گرو وجود رابطه‌ای عاطفی و مبتنی بر رضایت میان زوجین است. در این میان، ممکن است یکی از زوجین به دلایل گوناگون از وضعیت ظاهری یا جسمانی طرف مقابل ناراضی باشد و انجام نوع خاصی از جراحی زیبایی را از او مطالبه نماید. پرسش اساسی آن است که آیا چنین درخواست و مطالبه‌ای در نظام حقوقی ایران و در پرتو ضوابط حقوقی، قانونی و قراردادی قابلیت تحقق دارد یا خیر؟ مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، و با مطالعه امکان‌سنجی مطالبه جراحی‌های زیبایی از سوی زوجین نسبت به یکدیگر، با بررسی جایگاه حقوقی این موضوع در نظام حقوقی ایران و تمرکز بر ضوابط حقوقی چون آزادی اراده، برابری و ممنوعیت ابزار قراردادن انسان، نتیجه می‌گیرد که اصل بر عدم قابلیت الزام حقوقی زوجین به انجام جراحی زیبایی است. نسبت به بررسی ضوابط قانونی همچون تمکین، ریاست شوهر و حسن معاشرت نیز روشن می‌شود که این ضوابط قانونی نمی‌توانند مبنای مطالبه چنین درخواستی از طرف هر کدام از زوجین قرار گیرد؛ مگر آنکه انجام نوع خاصی از جراحی‌های زیبایی به‌عنوان شرط فعل در ضمن عقد ازدواج گنجانده یا در توافق مستقلی تصریح شود، که در اینصورت به شرط رعایت شرایط صحت آن از جمله امکان، مشروعیت، دارای منفعت عقلایی و فقدان ضرر متناهی جسمانی می‌توان بر اساس ضوابط قراردادی و قواعد عمومی قراردادها تحقق آن را مطالبه نمود.

کلید واژه‌ها: جراحی زیبایی، مطالبه، ریاست شوهر، تمکین، حسن معاشرت، شرط فعل.

The Legal Status of Demanding Cosmetic Surgery within the Spouses' Relationships and the Limits of Its Enforceability

Dr. Mohammad Roshan¹

Masoud Mahmoudi²

Abstract

The family is a fundamental institution with functions such as regulating sexual relations, fulfilling emotional needs, reproduction, and ensuring the continuity of human society. The establishment and sustainability of family life depend on an emotional relationship based on mutual consent between spouses. In this context, one spouse may, for various reasons, be dissatisfied with the physical appearance or bodily condition of the other and request the performance of a specific cosmetic surgery. The central question is whether such a request or demand can be realized under the Iranian legal system in light of legal, statutory,

¹ Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. m-roshan@sbu.as.ir

² Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (corresponding author): ma_mahmoudi@sbu.ac.ir

and contractual principles. This study, using a descriptive-analytical approach and examining the feasibility of requesting cosmetic surgery between spouses, demonstrates that, as a general rule, spouses cannot be legally compelled to undergo cosmetic surgery. The analysis of legal provisions such as marital obedience (*tamkin*), the husband's authority (*paterfamilias*), and proper conduct (*behaving reasonably in marital relationship*) shows that these rules cannot serve as a legal basis for such a request by either spouse, unless a specific cosmetic surgery is explicitly stipulated as a conditional act (*condition precedent*) within the marriage contract or in an independent agreement. In such cases, provided that the conditions for validity—including possibility, legality, rational benefit, and absence of significant bodily harm—are met, enforcement can be pursued based on contractual principles and general rules of contract law.

Keywords: Cosmetic surgery; demand; paterfamilias; submission; reasonable behavior; condition of performance

مقدمه

خانواده به عنوان بنیادی ترین نهاد اجتماعی، جایگاهی حدفاصل میان یک «اجتماع غریزی» و یک «اجتماع قراردادی» است (مطهری، ۱۳۷۶: ۱۲). غریزی یا طبیعی بودن آن به تفاوت های زیستی زن و مرد و نیازهای جنسی بازمی گردد، و وجه قراردادی آن ناشی از اراده و اختیار انسان ها در تعیین حدود و مقررات زندگی مشترک در یک اجتماع مدنی است. قانون مدنی نیز در مواد ۱۰ و ۹۷۵، قراردادهای خصوصی را که حاصل تراضی اراده طرفین باشد، معتبر دانسته، مشروط بر آن که مخالف نص قانون، نظم عمومی یا اخلاق حسنه نباشد. در همین راستا، در نظام حقوقی ایران قواعدی برای هر دو جنبه طبیعی و قراردادی خانواده پیش بینی شده است؛ از جمله عقد ازدواج، و آثار مالی و غیرمالی آن.

تحولات دانش پزشکی در دهه های اخیر و به ویژه توسعه جراحی های زیبایی، گرچه توانسته است به بهبود کیفیت زندگی افراد کمک کند، اما در روابط زوجین و زندگی زناشویی پرسش ها و چالش هایی را در ارتباط با حقوق و تکالیف قانونی زوجین ایجاد کرده است. فرهنگ تغییر بدن طی یک دهه اخیر به گونه ای گسترش یافته که تقریباً تمام بخش های بدن، از جمله نواحی خصوصی تر، را دربرمی گیرد. هرچند بیشترین جراحی ها بر اندام های مرتبط با هویت زنانه انجام می شود، اما امروزه مردان نیز با انگیزه هایی همچون بازیابی جوانی یا ارتقای جذابیت و توان جنسی به مخاطبان این جراحی ها پیوسته اند (Berer,)

4: 2010). بی‌تردید، ظاهر جسمانی زوجین در میزان تمایل و رغبت آنان به یکدیگر اثرگذار است و همین امر می‌تواند منشأ طرح خواسته‌هایی مرتبط با انجام نوع خاصی از جراحی‌های زیبایی در چارچوب روابط زناشویی باشد؛ کمابینه برخی مطالعات آماری نیز نشان داده در صدی از افراد انگیزه بیرونی‌شان برای جراحی زیبایی خواست همسر و بهبود کیفیت رابطه بوده است (توسلی و مدیری، ۱۳۸۹؛ میرساردو، ۱۳۸۹). از آنجایی که، زیبایی را باید ترکیبی از عناصر عینی و ذهنی دانست؛ کلیت آن جهان‌شمول، اما جزئیاتش وابسته به تجربه فردی است. این نگاه به‌طور مستقیم در تقاضا برای جراحی‌های زیبایی بازتاب می‌یابد. به تعبیری «زیبایی در چشم بیننده است»، یعنی متقاضی جراحی همان بیننده‌ای است که معیارهای زیبایی را تعریف می‌کند و مسیر اصلاح ظاهر خود را بر اساس آن انتخاب می‌سازد (Shiffman, 2001: 235).

جراحی زیبایی که گاه «جراحی ظاهر» نیز نامیده می‌شود (Webster, 1987: 197)، به‌عنوان یکی از شاخه‌های جراحی پلاستیک است. جراحی پلاستیک طیفی از مداخلات را دربرمی‌گیرد که از حیث هدف و کارکرد می‌توان آن‌ها را به جراحی‌های ترمیمی، جراحی‌های بهبوددهنده کارکردی، و جراحی‌های صرفاً زیبایی‌شناختی تقسیم نمود. (اولسن، ۱۳۸۸: ۸؛ عباسی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴) برخی از این مداخلات، هرچند در ظاهر در زمره جراحی‌های زیبایی قرار می‌گیرند، اما به‌واسطه نقش آن‌ها در رفع ناهنجاری‌های ظاهری مؤثر بر کارکرد جسمانی یا سلامت روان، عرفاً معقول و گاه ضروری تلقی می‌شوند؛ در مقابل، بخشی دیگر از جراحی‌ها صرفاً ناظر به ترجیحات سلیقه‌ای یا تغییرات غیرضروری بوده که اشخاص متقاضی آن، برای ارتقای مطلوبیت، رسیدن به کیفیت خاص، زیبایی و زیبا دیده‌شدن آن را انجام می‌دهند، بی‌آنکه لزوماً در معنای سنتی خود جنبه درمانی داشته باشد. همین ویژگی سبب شده است تا جراحی زیبایی در طبقه‌بندی اقدامات انتخابی قرار گیرد (American Board of Cosmetic Surgery, 2018)؛ و معمولاً بر افرادی اعمال می‌شود که پیش از مداخله نیز در محدوده نرمال ارزیابی می‌شوند؛ از این‌رو ماهیتی انتخابی و غیرضروری دارد و از منظر برخی نوعی کالای لوکس محسوب می‌شود (Hostiuc et al., 2022: 1). با این حال، با تفسیر موسع از مفهوم سلامت و توجه به ابعاد روانی و اجتماعی آن، می‌توان برخی آثار این جراحی‌ها را در زمره آثار شبه‌درمانی دانست. همین تمایز، در ارزیابی حقوقی امکان مطالبه به انجام جراحی زیبایی نقش بنیادین دارد. بر همین مبنا، محل بحث حاضر ناظر به این دسته اخیر است و نه مطلق جراحی‌های پلاستیک.

بر این اساس، پرسش اساسی آن است که آیا اهمیت روابط جنسی و نقش آن در استحکام بنیان خانواده - که در اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند ۳ از اصل بیست‌ویکم مورد تأکید قرار گرفته است - می‌تواند مبنای آن باشد که این حق را به هریک از زوجین بدهد که بتوانند انجام نوع خاصی از جراحی زیبایی را از طرف مقابل درخواست و مطالبه داشته باشد؟

۱. مطالبه جراحی‌های زیبایی در روابط زوجین از منظر حقوقی

از منظر جامعه‌شناسی خانواده، در الگوی سنتی، مرد در رأس هرم قدرت قرار داشته و تصمیمات خانوادگی را بدون مشورت با دیگر اعضا اتخاذ می‌کرد و دیگران موظف به اطاعت بودند (بهنام، بستان و ملکی، ۱۳۹۸: ۸۴). با تحول ساختار اجتماعی، چنین الگوهایی جای خود را به رویکردهای برابری محور داده‌اند. در همین راستا، بند ۶ اصل دوم و بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آزادی و کرامت ذاتی انسان و تأمین حقوق برابر و همه‌جانبه برای زنان و مردان تأکید دارد. همچنین بند ۱ ماده ۲۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر تساوی حقوق و مسئولیت‌های زوجین در دوران زوجیت و در زمان انحلال نکاح تصریح می‌کند. اصل برابری به معنای آن است که انسان‌ها از حقوق و تکالیف یکسانی برخوردارند؛ «انسان‌ها با یکدیگر برابرند، یا به تعبیری دقیق‌تر باید برابری ارزشی داشته باشند، زیرا هر انسانی از جهت انسان بودن واجد ارزش ذاتی است و نباید او را وسیله نیل به اهداف دیگر افراد قرار داد. این ادعا همان اصل کرامت ذاتی یا اصل ممنوعیت ابزار قراردادن او است.» (راسخ، ۱۴۰۲: ۲/۲۴۵) اصول ۳ بند ۹، ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر رفع تبعیض ناروا، برخورداری از حقوق مساوی و حمایت قانونی یکسان از زنان و مردان تأکید کرده‌اند. این اصل در نهاد خانواده به عنوان یک واحد کوچک و مهم اجتماعی در برخی موارد و بنا به دلایلی از تعادل لازم برخوردار نیست. البته ناگفته نماند که «برابری ارزشی در پی از بین بردن نابرابری‌های طبیعی یا ایجاد مانع در مقابل نابرابری‌های ناشی از فکر و تلاش انسان نیست.» (همان)

از یک طرف، در پرتو اصولی چون آزادی اراده و برابری، اصل بر این است که هیچ‌یک از زوجین حق مطالبه اقداماتی نظیر جراحی زیبایی از دیگری را ندارند، مگر آنکه نص قانونی یا توافق معتبر وجود داشته باشد. در حقوق، قابلیت مطالبه زمانی تحقق می‌یابد که قانون‌گذار صراحتاً تکلیف مشخصی مقرر کرده باشد؛ برای مثال، در موضوع نفقه، قانون زوج را مکلف به پرداخت نفقه دانسته و زوجه می‌تواند اجرای آن را از دادگاه مطالبه نماید.

از سوی دیگر، «حق بر حریم خصوصی» یکی از بنیادی‌ترین حقوق اشخاص است که به صرف ایجاد و تشکیل زندگی مشترک نیز از بین نمی‌رود. در تعریف حریم خصوصی گفته‌اند: «حریم خصوصی قلمرو زندگی شخص است که آن فرد نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی، انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند یا به هر شکل دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند.» (انصاری، ۱۴۰۰: ۳۸ و ۳۹) یکی از مصادیق مهم حریم خصوصی، تمامیت جسمانی افراد است. در لایحه حریم خصوصی (مصوب ۱۳۸۴/۵/۱۶) نیز حمایت از جسم افراد به عنوان یکی از مصادیق حریم خصوصی تصریح شده است. احترام به این حق به معنای خودخواهی یا بی‌توجهی به همسر نیست. در همین راستا، قانون مدنی آنان را به حسن معاشرت با یکدیگر مکلف کرده است (روشن و صادقی، ۱۳۹۵: ۳۲۶). بدین ترتیب، حریم خصوصی از اراده آزاد و مستقل زوجین حمایت می‌کند؛ زیرا حمایت از اراده آزاد و مستقل افراد رابطه تنگاتنگی با کرامت انسانی دارد.

در نتیجه، با توجه به اصل برابری، منع تبعیض، آزادی اراده، اصل ممنوعیت ابزار قراردادن، و توجه به حق بر حریم خصوصی در ارتباط با کرامت انسانی و آزادی باید گفت، اصل بر آن است که مطالبه جراحی زیبایی از سوی زوجین نسبت به یکدیگر فاقد مبنای حقوقی است. از طرفی چون در جراحی‌های زیبایی برخلاف پزشکی بالینی، ضرورت درمان و رفع ناهنجاری جسمانی وجود ندارد، مدل حمایت از خودمختاری مراجعه‌کننده یا متقاضی بهترین چارچوب است، و نباید مطالبه تحمیلی بر

زوجین در این خصوص بار شود. (Hostiuc, Hostiuc, Rusu, & Isailă, 2022: 2) با این حال، پرسش بعدی این است که آیا می‌توان در پرتو برخی ضوابط قانونی (تمکین، ریاست شوهر، حسن معاشرت) چنین مطالبه‌ای را در موارد خاص قابل تحقق دانست یا خیر؟

۲. مطالبه جراحی‌های زیبایی در روابط زوجین از منظر قانونی

در این بخش، «امکان‌سنجی مطالبه جراحی‌های زیبایی از سوی زوجین» در پرتو ضوابط قانونی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ به این معنا که ممکن است یکی از زوجین ظاهر جسمانی طرف مقابل را نامطلوب بداند و آن را عامل بی‌میلی یا حتی تنفر از وی قلمداد کند، و بر همین اساس خواستار انجام نوع خاصی از جراحی زیبایی از سوی او شود. ضوابط قانونی مرتبط با امکان‌سنجی چنین مطالبه‌ای -در چارچوب حقوق و تکالیف غیرمالی زوجین- عمدتاً ذیل مفاهیمی چون «تمکین»، «ریاست شوهر» و «حسن معاشرت» قابل بررسی است. البته باید توجه داشت که در نظام حقوقی ما، دو مبنای نخست به‌طور خاص ناظر بر تکالیف زوجه در برابر زوج است و تنها رعایت حقوق جنسی و «حسن معاشرت» تکلیفی متقابل و مشترک میان زوجین به شمار می‌رود.

۲-۱. ارتباط‌سنجی تمکین با مطالبه جراحی زیبایی

تمکین در لغت با معانی متعددی چون، «فرمان‌بردن، قبول‌کردن، پذیرفتن، نیرودادن، قدرت‌دادن، فرمان‌برداری، احترام و توانایی» (معین، ۱۳۸۱: ۱۱۴۲/۱)؛ و نیز «تن‌دادن و اطاعت‌کردن» به کار رفته است (روشن و صادقی، ۱۳۹۵: ۲۷۹). در اصطلاح حقوقی تمکین در روابط زوجین به معنای اطاعت‌پذیری زوجه از زوج یا اظهار اطاعت زوجه نسبت به زوج بیان شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۱۷۳). در کتب حقوقی تعاریفی از تمکین و تقسیم‌بندی آن به تمکین عام و خاص بیان شده است. تمکین در معنای عام به حسن معاشرت زن با شوهر و اطاعت از او در امور مربوط به زناشویی (روشن و صادقی، ۱۳۹۵: ۲۷۹)؛ یا تبعیت از اراده زوج در مسائل زندگی بیان شده است (روشن، ۱۴۰۰: ۱۱۱). تمکین در معنای خاص یعنی زوجه جهت استمتاع، خود را در اختیار زوج قرار دهد و استمتاع زوج از خود را جز در موانع عذر، محدود به زمان و مکان یا کیفیت خاصی نکند. بدین ترتیب، تمکین خاص مستقیماً ناظر بر روابط زناشویی و امور جنسی است.

در شرع نیز مهم‌ترین وظیفه زوجه، اطاعت از زوج در امور جنسی است. هرچند، در شرع تمکین به عنوان وظیفه زوجه، در ارتباط با امور جنسی مطرح شده است؛ اما برخی فقها نیز به وظیفه زوج اشاره داشته‌اند، و در مقابل گفته‌اند زوج نیز ملزم به رعایت بهداشت جنسی، رعایت حقوق جنسی زوجه، و رعایت آمادگی جنسی زوجه می‌باشد (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۴۲). محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ۲۳۱. طوسی، ۱۳۶۵ق: ۴۶۰/۹). یکی از حقوق واجب زوجین، داشتن رابطه جنسی است که عدم انجام آن منجر به اطلاق عنوان «نشوز» بر زوج یا زوجه می‌شود. اکثر فقها نشوز را از جانب زوجین دانسته‌اند (عاملی، ۱۴۱۲: ۴۲۷/۲). محقق حلی، ۱۴۰۸: ۵۶۰. ابی‌منصور حلی، ۱۴۱۰: ۴۲. بحرانی، ۱۴۰۹: ۶۱۴. طباطبایی حائری، ۱۴۱۸: ۱۵۲/۱۲). نشانه‌های نشوز زوجه مواردی از قبیل: همبستر نشدن با زوج و پاسخ ندادن به نیاز او، ترشروی و کوتاهی، خودداری از آراستن خود مطابق

میل و خواست زوج بیان شده است. نشانه‌های نشوز زوج را مصادیقی چون داشتن کراهت، دوری‌گزینی از زوجه، بدخلقی و آزار زوجه، ندادن حقوق واجب زن مثل نفقه، رعایت نکردن حق قسم و موافقه ذکر کرده‌اند. برخی فقها نیز گفته‌اند اگر زوجه مطابق خواست زوج خود آرایی نکند ناشزه محسوب می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۳۰۵/۲. گلپایگانی، ۱۴۱۳: ۳۶۴. سیستانی، ۱۴۱۰: ۱۰۶). با این تفاسیری که از نشوز و مصادیق آن در فقه و لسان فقها بیان شده است می‌توان گفت، عدم انجام جراحی زیبایی مورد انتظار یکی از زوجین می‌تواند مصداق نشوز باشد، مگر این که انجام دادن آن ضرر و حرجی برای زوج یا زوجه داشته باشد؛ اما اینگونه برداشت‌ها، با تعبیری که از تمکین و حقوق جنسی زوجین داشتیم در تضاد است.

اکثریت فقها، تمکین و استمتاع را حق زوج و تکلیفی برای زوجه می‌دانند (سبزواری، ۱۴۲۳: ۲۵۱/۲). در مقابل برخی دیگر تمکین را حق مشترک می‌دانند (عبدالجلیل احمد، ۱۴۲۱ق: ۶۶. سید سابق، ۱۳۹۳: ۱۵۳/۲). و برخی نیز یکی از مصادیق حقوق غیرمالی شوهر را حق طاعت ذکر کرده‌اند (ابوزهره، بی تا: ۲۱۸). برخی در پاسخ به سوالاتی مبنی بر این که آیا زن تابع مرد است یا مرد باید از زن تبعیت نماید؟ اطاعت زن از شوهر در چه مواردی لازم است و در چه مواردی ضروری و واجب نیست؟ آیا مرد حق دارد به زنش بگوید موهای خود را کوتاه نکن؟ به ترتیب پاسخ داده‌اند: «عنوان تبعیت در بین نیست و هر یک بر دیگری حقوقی دارد که باید مراعات شود.» «اطاعت واجب تنها در رابطه با امور مربوط به استمتاع است، و بدون رضایت شوهر نباید از منزل خارج شود، مگر این که ضمن عقد نکاح شرط کرده یا برای امر واجبی بخواهد از خانه خارج شود.» «حق ندارد، ولی زن باید مراعات حال شوهر را بنماید.» (کیائی، ۱۳۸۸: ۴۵۷ و ۴۵۸) بر همین اساس باید گفت، زوج یا زوجه نمی‌تواند از طرف مقابل انجام نوع خاصی از جراحی‌های زیبایی را مطالبه نماید؛ زیرا عنوان اطاعت در بین زوجین مطرح نمی‌شود. حتی اگر لزوم اطاعت زوجه از زوج نسبت به امور جنسی را از منظر فقهی بپذیریم، اولاً، بیشتر به یک حکم تکلیفی تعبیر می‌شود؛ ثانیاً، این حکم اولیه (لزوم اطاعت) مانند سایر احکام می‌تواند تحت عنوان حکم ثانویه تغییر کند. بنابراین، در نظر گرفتن تمکین خاص به صورت مطلق باید با در نظر گرفتن پیش‌فرض‌ها و ادله‌ای چون لاضرر، لاجرح و اصل عدالت باشد؛ در واقع، این ادله بر احکام اولیه یعنی لزوم اطاعت زن در امور جنسی مقدم است. بنابراین، مطابق فقه سنتی جواز الزام به جراحی‌های زیبایی مشروط بر آن است که ضرر یا حرجی متوجه زوجه نباشد.

قبل از بحث مطالبه جراحی‌های زیبایی در روابط زوجین باید این پرسش را مطرح کرد که آیا زوجین می‌توانند الزام به تمکین یکدیگر را از دادگاه بخواهند؟ بند ۸ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ دعاوی مربوط به تمکین و نشوز را در صلاحیت دادگاه خانواده تعریف کرده است؛ در رویه قضایی نیز امکان ثبت دادخواست الزام به تمکین از طرف زوج وجود دارد؛ اما متقابلاً امکان ثبت دادخواست الزام به تمکین از طرف زوجه وجود ندارد؛ یعنی از منظر آیین دادرسی مدنی، این دادخواست قابلیت استماع را ندارد؛ مگر در حالتی که الزام به حسن معاشرت زوج یا الزام به انجام وظایف خاص زناشویی را بخواهد یا زوجه با اثبات بیماری‌های ماده ۱۱۲۲ اصلاحی ق.م، درخواست فسخ نکاح را داشته باشد یا در چاقوب قاعده عسرو حرج دادخواست طلاق قضایی را مطرح نماید. در نظریه مشورتی به شماره ۷/۱۸۸۱-۶۲/۵/۱-۱ سوال شده که مردی به موجب حکم قطعی محکوم به انجام وظیفه زناشویی شده و حاضر به اجرای مفاد آن نیست؛ اداره حقوقی پاسخ داده: حکم دادگاه مبنی بر محکومیت مرد به انجام وظیفه خاص زناشویی موضوعاً از طریق دایره اجرا، قابلیت اجرا را ندارد و اگر شوهر با وجود ابلاغ

حکم دادگاه، تبعیت ننماید محکوم‌لها می‌تواند به استناد ماده ۱۱۳۰ اصلاحی قانون مدنی از دادگاه تقاضای طلاق داشته باشد (بازگیر، ۱۳۹۱: ۲۰۵/۱). بنابراین، در رویه قضایی، زوج می‌تواند از دادگاه الزام به تمکین زوجه را بخواهد؛ زوجه نیز می‌تواند با استناد به ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی، مبنی بر شکل‌گیری رابطه زوجیت و برقرار شدن حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر و ماده ۱۱۰۳ مبنی بر تکلیف به حسن معاشرت، و با استناد به منابع معتبر اسلامی، الزام زوج به انجام وظیفه خاص زناشویی را از دادگاه داشته باشد. دادگاه‌های فرانسه نیز در زمانی که برابر قانون، ریاست بر خانواده با شوهر بود، احکامی مانند الزام به تمکین را صادر می‌کردند؛ ولی امروزه با منسوخ شدن این قانون، چنین احکامی نیز منسوخ شده‌است؛ زیرا صدور چنین احکامی بیهوده و گاهی منافی با آزادی اراده است (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۲۳۰/۲).

با این مقدمه از بحث تمکین و حقوق جنسی، پرسش اصلی آن است که باتوجه به امکان درخواست الزام قانونی هریک از زوجین به تمکین یا وظایف خاص زناشویی، آیا هریک از زوجین می‌تواند انجام جراحی‌های زیبایی موثر بر روابط زناشویی و مربوط به اندام‌های خاص جنسی -مانند لابیپلاستی^۳ یا پنوپلاستی^۴ یا مونس پلاستی^۵- را از طرف مقابل مطالبه کند؟

در علم اصول، در مبحث عقل به عنوان یکی از ادله استنباط احکام، بحثی تحت عنوان «مقدمه واجب» مطرح می‌شود. مقدمه واجب به این معناست که هرگاه امر یا دستور به چیزی شود (ذی‌المقدمه) و انجام آن امر یا دستور متوقف بر انجام کار دیگری باشد (مقدمه) باید مقدمه را نیز انجام داد؛ به عبارت دیگر، مقدمه واجب، واجب است (زراعت، ۱۳۹۱: ۲۵۸). این بحث در حقوق این‌گونه مطرح می‌شود که اگر شخصی به موجب قانون مکلف به انجام امری باشد، آیا نسبت به انجام مقدمات آن نیز الزام قانونی دارد یا خیر؟ حال نسبت به پرسش اصلی یعنی امکان‌سنجی مطالبه جراحی‌های زیبایی از سوی زوجین، و باتوجه به مسئله الزام به تمکین یا وظایف خاص زناشویی، آیا می‌توان الزام به مقدمات تمکین (به‌عنوان مثال انجام جراحی‌های زیبایی موثر و مرتبط با روابط خاص زناشویی) را مطالبه و درخواست نمود؟ برخی تفاسیر فقهی با همان رویکرد که تمکین را صرفاً از حقوق زوج می‌دانند، گفته‌اند: بر زوجه اطاعت از زوج در آنچه متعلق به امر استمتاع است واجب است و همچنین در اموری که مقدمات استمتاع است؛ مانند پاکیزه ساختن از آنچه موجب تنفر طبع می‌شود مثل رفع بوی ناخوش و پاکیزه ساختن به قدری که متعارف است (نراقی، ۱۴۲۲: ۱۱۹/۱). اما باید گفت، نزدیکی جنسی مقدماتی دارد که به حکم عقل و از باب وجوب عقلی مقدمه واجب می‌توانیم بگوییم، یک الزام عقلی، عرفی و اخلاقی بر زوجین است که این مقدمات را فراهم کنند؛ اما امکان الزام قانونی وجود ندارد. ضمانت اجرا جایی وجود دارد که نص قانونی یا قراردادی بین انسان‌ها وجود داشته باشد؛ مانند تکلیف به تمکین و پرداخت نفقه. بنابراین، عدم رعایت مقدمات وظیفه خاص زناشویی می‌تواند از جهت حکم تکلیفی و سوءمعاشرت مورد توجه قرار گیرد. از طرف دیگر، در ساخت و بافت فعلی حقوق خانواده که الزام به تمکین فقط از طرف زوج می‌تواند درخواست شود و این که امتناع از وظایف زوجیت، صرفاً اگر از طرف زوجه باشد عنوان ناشزه بر او بار می‌شود، به حق و مصلحت نیست، الزام قانونی مقدمات تمکین را به رسمیت بشناسیم.

1. Labiaplasty
2. Penoplasty
3. Monsplasty

در رابطه با جراحی‌های زیبایی باید گفت، زوجین نمی‌توانند در راستای تکلیف به تمکین و رعایت حقوق جنسی، از طرف مقابل انجام نوع خاصی از جراحی زیبایی که مورد درخواست یکی از طرفین است، را مطالبه نمایند. از طرف دیگر، با توجه به اینکه در حقوق ما برخلاف فقه اسلامی، امتناع از وظایف زوجیت صرفاً اگر از طرف زوجه باشد عنوان «ناشزه» معنا پیدا می‌کند، اگر بخواهیم الزام زوجه به جراحی‌های زیبایی را که به طور مستقیم یا غیرمستقیم موثر بر تمکین است را مانند دعوی الزام به تمکین به رسمیت بشناسیم، به صرف امتناع از طرف زوجه، عنوان ناشزه و آثار حقوقی بر او بار می‌شود؛ درحالی که این تفسیر خلاف حق و مصلحت زوجه است. در واقع، این نگاه از تمکین که زن ملزم به خواسته‌های شوهر در امور جنسی است، یعنی او را کالای بهره‌برداری دانسته‌ایم و به شخصیت و کرامت انسانی او بی‌توجه بوده‌ایم. با این همه، حتی در رابطه با بیماری‌های مجوز فسخ نکاح، قانون مدنی در مواد ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳ اصلاحی، صراحتی مبنی بر الزام زوج یا زوجه به رفع عیوب نداشته است، زیرا حق فسخ به استناد عیوب، با مبنای قاعده لاضرر، به منظور حفظ حقوق، حمایت از اراده آزاد زوجین و سلامت آنهاست؛ هرچند ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی قبل از اصلاح (۱۳۶۱/۱۰/۰۸) عنین را از عیوب مجوز فسخ نکاح برای زنان در نظر گرفته بود که اگر بعد از گذشت مدت یک سال از تاریخ طرح دعوا، آن عیب برطرف نشود، زن حق فسخ خواهد داشت. اما در اصلاحات سال ۱۳۷۰ مهلت یک‌ساله با این که قول مشهور فقها نیز مهلت یک سال را در نظر گرفته است، حذف شد. با وجود نقدهای پزشکی که به اینگونه مفاهیم از عیوب مجوز فسخ نکاح وجود دارد، هدف پرداختن به این مسائل نیست، آنچه در این رابطه مهم است نظریه‌ای است که این عارضه را موجب «تنفر، بی‌میلی و بی‌رغبتی» می‌داند. (مسجدسرائی و موسوی، ۱۴۰۴: ۲۸۹) با این همه برخی معتقدند، قرن به عنوان یکی از عیوب مجوز فسخ نکاح انواع مختلفی دارد و لازم نیست این زایده استخوانی یا گوشتی به اندازه‌ای رشد کرده باشد که مانع از نزدیکی شود؛ بلکه وجود این زایده، از آن جهت که موجب «تنفر» می‌شود، نیز عیب محسوب و سبب جواز فسخ نکاح است (محقق داماد، ۱۳۹۱: ۱۱۷). مشاهده می‌کنیم که مطابق این نظر آنچه در عیوب مطرح می‌شود بی‌میلی، بی‌رغبتی و تنفر زوجین از یکدیگر است که در این مصادیق نمود پیدا می‌کند. درخصوص برطرف شدن موجبات بی‌میلی و بی‌رغبتی با وحدت ملاک از مبحث عیوب مجوز فسخ نکاح می‌توان گفت، امروزه با توسعه دانش پزشکی، ضرر قابل رفع شدن است؛ در واقع این جراحی‌های زیبایی می‌تواند در راستای برطرف شدن موجبات بی‌میلی و تنفر، و در راستای افزایش و ثبات روابط جنسی زوجین نقش مثبتی داشته باشد. با این حال، تمسک به وحدت ملاک این احکام برای مطالبه جراحی زیبایی و جاهت قانونی ندارد. درست است که امروزه جراحی‌های زیبایی می‌تواند در رفع بی‌میلی یا تنفر احتمالی زوجین از یکدیگر مؤثر باشند، اما این اثرگذاری و رفع تنفر احتمالی نمی‌تواند مبنایی برای مطالبه قانونی باشد. بنابراین، زوجین نمی‌توانند الزام حقوقی یکدیگر به انجام نوع خاصی از جراحی زیبایی را داشته باشند.

۲-۲. نسبت مفهوم ریاست شوهر با مطالبه جراحی‌های زیبایی از ناحیه زوج

در ارتباط با مفهوم ریاست شوهر پرسش اصلی آن است که آیا زوج می‌تواند به استناد این ضابطه قانونی که عهده‌دار است، در امور زوجه مداخله کند یا خیر؟ و این که محدوده این ریاست تا کجا و نسبت به چه مواردی است؟ ابهام، در تعیین حدود و مصادیق ریاست شوهر است. این مفهوم همانند بسیاری از نهادهای سنتی حاکم بر حقوق خانواده، در گذر زمان دچار تحول مفهومی شده است. به تعبیر برخی، ریاست شوهر بر خانواده امروزه مفهوم و معنای پیشین و سنتی خود را از دست داده و به

صورت آمیزه‌ای از حق و تکلیف درآمده است (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۸۴). اگر آثار ریاست زوج بر خانواده را از منظر حقوقی مورد توجه قرار دهیم می‌بینیم که در مواردی چون حق تعیین مسکن که از آثار ریاست است، شرط خلاف آن ممکن و صحیح است؛ یا بحث اشتغال که برای زوجه نیز، مخالفت با شغل زوج پیشینی شده است و این که دادگاه باید شغل منافی با مصالح خانوادگی و حیثیت زوج یا زوجه را تشخیص دهد؛ یا این که زوجه در چهار مورد یعنی عسر و حرج و عدم پرداخت نفقه و وکالت در طلاق و غیبت شوهر حق درخواست گواهی عدم امکان سازش دارد؛ این موارد به روشنی نشان می‌دهد که این متأثر از تحولات و تغییرات در ساختار جامعه و در نظام حقوقی کنونی ایران، دیگر یک سلطه و اطاعت نیست، بلکه با قیدها و شروطی که برآمده از تحولات اجتماعی و تغییر جایگاه زن در خانواده است، مقید شده است. همچنین، قانون مدنی در باب حضانت و تربیت اطفال اشاره داشته که زن ملترزم به شیر دادن به نوزاد خویش نیست و مطالبه زوج در این رابطه نافذ نیست. این نمونه نشان می‌دهد که مفهوم ریاست در ارتباط با این مسائل مطرح نشده است و اراده آزاد زوجه هم چنان محفوظ است. با این همه، نگاه ما در رابطه با این ضابطه باید معطوف به اصل لاضرر و کرامت انسانی باشد. کرامت ذاتی انسان به این معناست که تمام انسان‌ها از لحاظ ارزشی در یک سطح قرار دارند و به صرف انسان بودن‌شان باید با یکدیگر برابر انگاشته شوند (راسخ، ۱۴۰۲: ۳۹۸/۲). این که به استناد ریاست، مطالبه زوج از زوجه انجام‌دادن نوع خاصی از جراحی زیبایی باشد یا حق تصمیم‌گیری و اظهارنظر در انجام این جراحی‌ها را به زوج واگذار کنیم در حقیقت نادیده گرفتن این اصل بنیادین است و به معنای استفاده ابزاری از انسان خواهد بود. در نتیجه، مطالبه زوج از زوجه به انجام جراحی‌های زیبایی به استناد نهاد ریاست شوهر، نه تنها فاقد وجهت قانونی است، بلکه با مبانی اخلاقی و فلسفی کرامت انسان و اصول بنیادین نظام حقوقی نیز ناسازگار است؛ از طرفی مطرح کردن حق (و حق بر مطالبه) لازمه‌اش این است که اصل خودآگاهی و اراده آزاد انسان حفظ و تأمین شود؛ زیرا، تصمیم‌گیری برای یک شخص مختار و خودآگاه خلاف آزادی اراده و کرامت ذاتی اوست؛ بنابراین، هرگونه الزام یا مطالبه در این زمینه، نقض حق خودآگاهی و اراده آزاد انسان است، چراکه تصمیم‌گیری برای بدن شخصی مختار و آگاه، برخلاف اصل آزادی اراده و کرامت ذاتی او خواهد بود.

۲-۳. حسن معاشرت و نسبت آن با مطالبه جراحی‌های زیبایی

یکی از قواعد مهم در نظام حقوق خانواده، «قاعده حسن معاشرت به معروف در روابط زوجین» است که ناظر بر لزوم رفتار نیکو، احترام متقابل و رعایت عرف پسندیده در روابط زوجین می‌باشد. «در مفهوم معاشرت، نوعی مشارکت و برابری نهفته است، یعنی نوع مردان با نوع زنان بر اساس معروف رفتار کنند و زنان نیز با مردان بر اساس معروف، معاشرت داشته باشند.» (رشیدرضا، ۱۴۱۴ق: ۴۵۶/۴) بنابراین، حسن معاشرت از حقوق و تکالیف مشترک زوجین است که به صورت مساوی دارا می‌باشند. به حکم عقل و اخلاق، حفظ کیان خانواده در وهله‌ی اول منوط به حسن خلق و معاشرت نیکو در روابط بین زوج و زوجه است. هرچند این قاعده در ظاهر ماهیتی اخلاقی دارد، اما از آنجا که برای نقض آن ضمانت‌اجراه‌های قانونی نظیر طلاق عسر و حرج و ناشزه بودن زوجه مقرر شده، نمی‌توان آن را صرفاً یک ضابطه اخلاقی دانست.

آن چه که از حسن معاشرت در قانون مدنی برداشت می‌شود یک مفهوم کلی است که شامل مصادیق متعددی بر حسب عرف، زمان و مکان، وضعیت و نیاز طرفین می‌تواند متفاوت باشد، اقل حسن معاشرت رضایت‌مندی زوجین از یکدیگر است؛ با این حال، یکی از مصادیق مهم و تاثیرگذار یا به عبارتی یکی از لوازم حسن معاشرت، رضایت‌مندی و داشتن رابطه‌ی عاطفی و جنسی است. «این قاعده، پیروی حقوق و تکالیف زوجین از معروف را الزامی می‌داند. هرگاه معروف یا همان عرف عملی بر نحوه عملکرد هر یک از زوجین مهر تأیید نزند، مفاد قاعده لزوم معاشرت به معروف نقض شده‌است. این نقض با شرایطی، می‌تواند موجب واکنش حقوقی متناسب شود.» (نوبهار و حسینی، ۱۳۹۷: ۷۶) بر همین اساس، حسن معاشرت، دربردارنده‌ی انجام وظایف زناشویی در چارچوب عدالت، انصاف و معیارهای عرفی است.

در این راستا پرسش مهمی که مطرح می‌شود آن است که اگر علت عدم تمایل و بروز بی‌میلی، تنفر یا نارضایتی میان زوجین، وجود نوعی نازیبایی جسمانی باشد که راه‌حل آن می‌تواند جراحی‌های زیبایی باشد، آیا امتناع یکی از زوجین از انجام این عمل می‌تواند مصداق «سوء معاشرت» تلقی گردد یا خیر؟

یک دیدگاه به صورت کلی بی‌اعتنایی به همسر و خواسته‌های او را از مصادیق سوء معاشرت دانسته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۱۹). از این منظر، بی‌توجهی زوجین به تمایلات و خواسته‌های یکدیگر - از جمله در انجام جراحی‌های زیبایی - می‌تواند نشانه‌ای از رفتار نامتعارف و سوء معاشرت محسوب گردد. اما در رابطه با مبانی قانونی مطالبه و درخواست، برخی معتقدند، اگرچه قانون مدنی برای زوجین حقوق و تکالیفی را مقرر داشته، اما مصادیق این تکالیف نوعی الزام اخلاقی است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۱۲)؛ به عنوان مثال، مطابق ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی، زوجین مکلف به حسن معاشرت با همدیگر هستند؛ حال آیا زنی که شوهرش بیمار است را می‌توان از منظر حقوقی الزام به نگهداری و پرستاری کرد؟ یک نگاه این است که بگوییم این کارها لازمی حسن معاشرت است یا به عبارت اصولیون مقدمه واجب، واجب است. در نگاه دوم که صحیح‌تر به نظر می‌رسد، برخی معتقدند نمی‌توان الزام این موارد را از دادگاه خواست؛ زیرا خانواده صرفاً یک نهاد و سازمان حقوقی نیست، بلکه ترکیبی از قواعد حقوقی و اخلاقی است (همان). یا این که می‌توان گفت ضمانت اجرا آن وقتی است که این قبیل سوء معاشرت‌ها و عدم معاضدت‌ها منجر به نشوز یا عسرو حرج شود، و احکام نشوز و عسرو حرج اعمال شود؛ و گرنه به صرف سوء معاشرت نمی‌توان گفت ضمانت اجرای حقوقی جریان پیدا می‌کند. در نتیجه، معاضدت و هم‌یاری زوجین به معنای خودمحمور نبودن زوجین است که منجر به استحکام روابط می‌شود. بر همین مبنا، مطالبه‌ی جراحی‌های زیبایی از سوی یکی از زوجین، در بهترین حالت می‌تواند مصداق الزام عقلی، عرفی و اخلاقی باشد، نه مطالبه و درخواست قانونی.

۳. مطالبه جراحی زیبایی در روابط زوجین در پرتو قواعد عمومی قراردادها

یکی از جلوه‌های بارز اراده در عرصه‌ی تعهدات، شروط ضمن عقد است؛ بدین معنا که اراده‌ی آزاد طرفین می‌تواند در قالب توافقات ضمن عقد، آثار و تعهداتی فراتر از مقتضای عقد ایجاد نماید. کرامت انسان و احترام به شخصیت و اراده آزاد او مانع از این است که نیروی خارجی کاری را بر او تحمیل کند (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۲۰/۴). بنابراین، آنچه الزام‌آور است، نه تحمیل

اراده‌ای خارجی، بلکه تجلی اراده‌ی مشترک زوجین در قالب عقد ازدواج است که منشأ تعهد برای طرف مقابل می‌شود. در همین راستا، بررسی امکان‌سنجی مطالبه‌ی جراحی‌های زیبایی از سوی زوجین در پرتو قواعد عمومی قراردادها، مستلزم تحلیل این نکته است که آیا چنین تعهدی می‌تواند در قالب شرط ضمن عقد ازدواج معتبر تلقی شود یا خیر؟ در واقع، یکی از صور قابل تصور برای مشروعیت و قابلیت مطالبه‌ی انجام جراحی‌های زیبایی، درج شرط فعل مبنی بر انجام این جراحی از سوی یکی از زوجین در ضمن عقد ازدواج یا توافق مستقل است؛ به نحوی که تعهد مزبور ناشی از توافق و اراده‌ی مشترک طرفین باشد، به این ترتیب، اعتبار چنین شرطی تابع قواعد عمومی صحت قراردادها است و باید از حیث مشروعیت، امکان، و قابلیت اجرا مورد ارزیابی قرار گیرد؛ زیرا هرگاه تعهد به انجام جراحی زیبایی در قالب شرط ضمن عقد و با رعایت ضوابط قانونی پذیرفته شود، می‌تواند مبنایی مشروع و الزام‌آور برای مطالبه محسوب گردد.

ذکر این بخش از آن جهت حائز اهمیت است که بر اساس مبانی قراردادی، در شروط ضمن عقد سه‌ویژه در قالب شرط فعل - در صورت تخلف متعهد، امکان مطالبه و الزام وی به اجرای تعهد از سوی دادگاه وجود دارد و در صورت استمرار امتناع یا تعدر اجرا، برای مشروطه حق فسخ یا سایر ضمانت‌اجراهای قراردادی متصور خواهد بود.

۱-۳. مبانی صحت شرط جراحی زیبایی ضمن عقد ازدواج

عقد ازدواج همچون سایر عقود، دارای دو مقتضای ذات و اطلاق است. شرط خلاف مقتضای ذات، باطل و مبطل است؛ و شرط خلاف مقتضای اطلاق صحیح و نافذ است. مطابق ماده ۲۳۲ قانون مدنی، شرط باطل غیر مبطل، شرطی است که انجام آن غیر مقدور باشد، یا منفعتی نداشته باشد، یا نامشروع باشد. با توجه به مفاد این ماده، شرط انجام نوع خاصی از جراحی‌های زیبایی که متعارف و معقول باشد، ضمن عقد ازدواج، به‌طور معمول اوصاف شروط باطل را دارا نیست. از منظر اصول عمومی قراردادها، یکی از جلوه‌های پذیرش اصل آزادی اراده در عقد ازدواج، توافق زوجین در خصوص یک‌سری شروط است. به موجب ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی، زوجین این اختیار را دارند که هرگونه شرطی را که با مقتضای عقد ازدواج مغایرت نداشته باشد، در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر درج نمایند. بنابراین، توافق زوجین مبنی بر شرط جراحی زیبایی را می‌توان در قالب اقسام شروط، از جمله شرط صفت، شرط نتیجه یا شرط فعل تحلیل نمود.

۱-۱-۳. جراحی زیبایی به‌عنوان شرط صفت

شروط ناظر بر کمیت یا کیفیت را شرط صفت می‌گویند. ضمانت اجرای تخلف از چنین شرطی مطابق قواعد عمومی، حق فسخ است. از آنجا که هریک از زوجین دارای اوصاف ظاهری و جسمانی خاصی هستند که در برانگیختن، انگیزش و تمایل دو طرف به انعقاد عقد ازدواج اثرگذار است، شرط صفت می‌تواند در این زمینه مطرح شود. براساس ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی، در خصوص تخلف از شرط صفت در عقد ازدواج است. این شرط در مرز باریکی با تدلیس در ازدواج قرار دارد؛ بدین معنا که اگر در یکی از زوجین صفت خاصی شرط شود (خواه وصف زیبایی و طبیعی بودن در عقد تصریح شده یا عقد متبانیاً بر آن واقع شده باشد) و بعد از عقد ازدواج خلاف آن وصف مشخص شود، برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود؛ مانند این که شرط شود، زوج یا زوجه جراحی‌های زیبایی انجام نداده باشد، یا فاقد هرگونه جراحی زیبایی باشد و پس از عقد ازدواج

خلاف آن معلوم شود، برای ذیحق با استناد به ماده مزبور حق فسخ به وجود می آید و اگر عنصر سوءنیت و قصد فریب احراز شود، می تواند در قلمرو تدلیس در عقد ازدواج قرار گیرد.

به طور کلی، باید این نکته را یادآور شد که، در این مورد نمی توان به صورت ابتدایی و مطلق قائل به وجود حق فسخ شد؛ زیرا تخلف از وصف زیبایی یا زیبایی طبیعی صرفاً زمانی موجب حق فسخ خواهد بود که وجود چنین وصفی به طور صریح شرط شده باشد، یا به صورت ضمنی در جریان تراضی زوجین مستتر باشد، یا عرف و اوضاع و احوال موجود حکم کند که وصف زیبایی یا زیبایی طبیعی مدنظر یکی از زوجین بوده و عقد متبانیاً بر آن منظور واقع شده است. بنابراین، صرف برداشت‌ها یا تمایلات ذهنی یکی از زوجین، بدون وجود توافق صریح یا ضمنی، نمی تواند مبنای تحقق حق فسخ قرار گیرد (محقق داماد و منفرد مسقانی، ۱۴۰۰: ۱۶۲).

۲-۱-۳. شرط نتیجه و تحقق جراحی زیبایی

شرط نتیجه ناظر به مواردی است که تحقق یک امر حقوقی (اعمال حقوقی) در عالم خارج شرط شود. اکنون این پرسش مطرح است که آیا می توان نوع خاصی از جراحی زیبایی را به صورت شرط نتیجه در عقد ازدواج آورد؟ خیر، با این توضیح که در چنین امری در قالب شرط نتیجه فاقد امکان تحقق عینی است؛ زیرا محقق شدن آن به یک باره و در اثر شکل گیری عقد ازدواج به وجود نمی آید و به مقدماتی چون آمادگی جسمانی، تمهید شرایط پزشکی، صرف هزینه و زمان لازم برای بهبود است. پس شرط نتیجه ویژه امور اعتباری است؛ یعنی توانایی دگرگون ساختن جهان خارج را ندارد (همان). در نتیجه، تحقق آن به طور خودکار و هم زمان با وقوع عقد ممکن نیست. همانند طلاق از جانب زوج که علی رغم حق قانونی وی، محتاج تشریفات و اراده انشایی مستقل است، شرط جراحی زیبایی نیز مستلزم انجام فعل مادی است و در حوزه‌ی شرط نتیجه قرار نمی گیرد.

۳-۱-۳. تحلیل حقوقی شرط فعل در مطالبه جراحی های زیبایی

شرط فعل ناظر به مواردی است که انجام یا عدم انجام کاری (اعتباری یا مادی) بر یکی از زوجین یا شخص ثالث شرط شود. از این رو، در فرضی که انجام نوع خاصی از جراحی زیبایی از سوی زوج یا زوجه شرط شود، این شرط در زمره شروط مادی و مثبت قرار می گیرد؛ و در صورتی که عدم انجام نوع خاصی از جراحی زیبایی مورد توافق باشد، در زمره شروط مادی و منفی قرار خواهد داشت. چنین شرطی می تواند همزمان با انعقاد عقد ازدواج یا مدتی بعد از آن مورد تراضی قرار گیرد؛ و حتی ممکن است انجام نوع خاصی از جراحی زیبایی را معلق و مشروط به حدوث شرایط، و اوضاع و احوال خاصی نمایند، برای مثال، می توان شرط کرد که زوج، بعد از ۵۰ سالگی در صورت افزایش وزن غیرطبیعی، لیفت برخی اندام های بدن (لیفت بازو، ران یا شکم) را انجام دهد، یا آنکه شرط شود زوجه پس از بارداری و زایمان دو فرزند، نوع خاصی از جراحی زیبایی مرتبط با اندام های جنسی (مثلاً واژینوپلاستی^۶) را انجام دهد. صحت چنین شروطی به رعایت قواعد عمومی قراردادها مندرج در مواد ۲۳۲ به بعد قانون مدنی است؛ بدین معنا که شرایط صحت آن (ممکن، مشروع و دارای منفعت عقلایی) رعایت شده باشد؛ و بالعکس اگر انجام جراحی های زیبایی در قالب شرط فعل، ناظر به تغییرات سلیقه ای طرف مقابل یا متضمن خطرات جسمانی

باشد قابل توجه باشد، آنگاه به دلیل فقدان منفعت عقلایی یا ورود ضرر متناهی جسمانی، مشمول عنوان شرط فاسد خواهد بود. بنابراین، تحقق مطالبه جراحی زیبایی به صورت شرط فعل تنها زمانی قابل استناد حقوقی است که شرایط صحت آن رعایت شود و جراحی مورد توافق، عقلایی، مشروع، ممکن و فاقد ضرر متناهی جسمانی باشد.

در خصوص ضمانت اجرای تخلف از شرط فعل در عقد ازدواج، قانون مدنی، ضمانت اجرایی مشخص منظور نداشته است و معلوم نیست اگر شرط ضمن عقد ازدواج به صورت شرط فعل باشد، و از موارد قابل الزام دادگاه نباشد، چه نتیجه‌ی حقوقی ایجاد خواهد شد. برخی حقوقدانان نکاح را با سایر معاملات قیاس کرده و حکم ماده ۲۳۷ و ۲۳۹ قانون مدنی مبنی بر ایجاد حق فسخ در صورت عدم امکان الزام را مطرح نموده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۴ و ۲۲۸). اما این استدلال مخدوش است و نمی‌توان قائل به ثبوت خیار فسخ حاصله از تخلف یا عدم انجام تعهد گردید (محقق داماد، ۱۴۰۳: ۲۹۴؛ صفایی و امامی، ۱۴۰۲: ۸۰ و ۸۱، کاتوزیان، ۱۳۷۵). باید گفت، شخصی که ملتزم به مفاد شرط شده‌است، باید آن را انجام دهد و در صورت عدم التزام به مفاد شرط، طرف مقابل می‌تواند الزام او را از دادگاه بخواهد. مطابق ماده ۲۳۷ قانون مدنی در فرضی که بر یکی از زوجین انجام نوع خاصی از جراحی زیبایی (مثلاً رینوپلاستی^۷) شرط شود، می‌بایست به مفاد شرط ملتزم بوده و جراحی زیبایی را انجام دهد؛ در صورت امتناع، اگرچه می‌توان الزام حقوقی او را از دادگاه درخواست نمود، اما الزام فیزیکی غیرممکن و مطرح نیست. در مقابل، در مورد ضمانت اجرای تخلف از شرط فعل مادی و منفی باید گفت، الزام متعهد در نقض تعهدات منفی فاقد معنا و مبنا است؛ به عنوان مثال، شرط شده باشد که زوج جراحی زیبایی رینوپلاستی انجام ندهد، اگر انجام داد، الزام دیگر معنا ندارد. بنابراین، باید توجه داشت که تخلف از شرط فعل در عقد ازدواج از موجبات فسخ نکاح نیست، پس اگر الزام متعهد جواب نداد، برخلاف قواعد عمومی قراردادها (ماده ۲۳۹ قانون مدنی) امکان فسخ وجود ندارد و نمی‌توان در موارد فسخ توسعه را لحاظ داشت؛ و تنها حق مطالبه خسارت را خواهد داشت. علت عدم فسخ را این‌گونه توجیه کرده‌اند که فسخ عقد ازدواج در نظام حقوقی ایران یک امر استثنایی و نیازمند تصریح قانونی است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر جایگاه حقوقی مطالبه جراحی‌های زیبایی در بستر عقد ازدواج و روابط زوجین و امکان تحقق آن در چارچوب نظام حقوقی ایران، نشان داد که چنین مطالبه‌ای جز در شرایط استثنایی - یعنی وجود شرط فعل و وجود توافق صریح قراردادی - قابلیت مطالبه و الزام حقوقی ندارد. مبانی حقوقی مختلف از جمله کرامت انسانی، آزادی اراده و منع ابزارانگاری انسان، همگی بر حفظ اختیار فرد در تصمیم‌گیری نسبت به بدن خویش تأکید دارند و هرگونه درخواست یا مطالبه از سوی همسر برای انجام جراحی‌های زیبایی را خارج از حدود مشروعیت حقوقی قرار می‌دهند.

از منظر ضوابط قانونی، بررسی مفاهیمی چون تمکین، ریاست شوهر و حسن معاشرت نیز حاکی از آن است که هیچ‌یک از این ضوابط به گونه‌ای تفسیر نمی‌شوند که مجوز مطالبه یا الزام همسر به انجام جراحی‌های زیبایی باشند. ریاست شوهر بر خانواده

در حقوق کنونی ایران مفهومی مقید به مصالح مشترک و اصل لاضرر است و دیگر واجد معنای سلطه و اطاعت یک‌جانبه نیست؛ از این رو، استناد به آن برای توجیه چنین مطالبه‌ای مغایر با اصل لاضرر و کرامت ذاتی انسان است. همچنین، قاعده حسن معاشرت صرفاً بر رفتار نیکو، احترام متقابل و همیاری اخلاقی تأکید دارد و الزام آور بودن آن در حوزه‌هایی که ناظر بر جسم و اراده شخصی افراد است، فاقد مبنای حقوقی است. بنابراین، هرچند می‌توان از یک الزام عرفی، عقلی و اخلاقی صحبت کرد که زوجین در راستای تکلیف به حسن معاشرت، و از باب حفظ کیان خانواده، و تنظیم رابطه با همسرشان بهتر است با مشورت پزشک متخصص و استفاده از مشاوره زوج‌درمانی در صورت ضرورت این جراحی‌ها را انجام دهند؛ البته اگر ضرر و حرجی بر آن‌ها نداشته باشد؛ زیرا تنظیم رابطه همیشه و لزوماً با الزام و قانون‌گذاری شکل نمی‌گیرد و استفاده از جسم دیگری برای داشتن یک رابطه ایده‌آل و مطلوب منجر به نقض آزادی اراده و مخالف با شخصیت و کرامت ذاتی اوست.

در بعد ضوابط قراردادی، این پژوهش نشان داد که تنها در صورت تصریح شرط انجام جراحی زیبایی در ضمن عقد ازدواج یا توافق مستقل میان زوجین، می‌توان آن را در چارچوب قواعد عمومی قراردادها توجیه کرد. با این حال، حتی در این فرض نیز اجرای فیزیکی چنین شرطی به دلیل تعلق آن به حریم شخصی و جسمی افراد، قابل اجبار قضایی نیست و ضمانت اجرای آن صرفاً در حدود مطالبه خسارت قابل تصور خواهد بود. به ویژه آن‌که عقد ازدواج برخلاف سایر عقود، دارای ویژگی‌های شخصی و اخلاقی خاصی است که مانع از تسری کامل قواعد عمومی قراردادها به آن می‌شود.

از منظر نظری، یافته‌های این پژوهش تبیین‌گر ضرورت تبیین و تثبیت جایگاه «حق بر بدن» در نظام حقوقی ایران است؛ حقی که باید در پرتو اصول فقهی و حقوق بشری همچون کرامت انسان، آزادی اراده و منع سلطه یکی بر دیگری مورد شناسایی و صیانت قرار گیرد. در نهایت، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار در اصلاحات آتی، ضمن تصریح به مصونیت جسمی و حق تصمیم‌گیری فرد نسبت به بدن خود، محدوده مشروعیت و توافقات مربوط به تغییرات جسمی را تبیین نماید.

منابع

- ابوزهره، محمد (بی‌تا)، **محاضرات فی عقد الزواج و آثاره**، مصر: دار الفکر العربی.
- اصلانی، حمیدرضا (۱۳۸۹)، **حقوق فناوری اطلاعات**، با همکاری مرکز فناوری اطلاعات ریاست جمهوری چ ۲، تهران: میزان.
- العاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۲ق)، **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، ج ۲، چ ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- امامی، سید حسن (۱۳۸۳)، **حقوق مدنی**، ج ۴ و ۵، چ ۱۴ و ۱۷، تهران: اسلامیه.
- اولسن، مریل و ماری اولسن (۱۳۸۸)، **جراحی زیبایی**، ترجمه شهروز فرهنگ، چ ۱، تهران: کلید آموزش.
- انصاری، باقر (۱۴۰۰)، **حقوق حریم خصوصی**، چ ۶، تهران: سمت.
- بازگیر، یدالله (۱۳۹۱)، **قانون مدنی در آینه آرای دیوانعالی کشور (حقوق خانواده)**، ج ۱، چ ۵، تهران: فردوسی.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۹ق)، **الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة**، ترجمه محمد تقی ایروانی، قم: جامعه المدرسین.
- بستان، حسین (۱۳۹۸)، **جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی**، چ ۷، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بهنام، جمشید (۱۳۵۶)، **ساخت‌های خانواده و خویشاوندی در ایران**، چ ۳، تهران: خوارزمی.
- توسلی، غلامعباس و فاطمه مدیری (۱۳۹۱)، **بررسی گرایش زنان به جراحی زیبایی در شهر تهران**. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، (۱)، ۸۰-۶۱.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، دوره متوسط حقوق مدنی: حقوق خانواده، ج ۴، تهران: گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۱)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۹، تهران: گنج دانش.
- جلالی نژاد، محمد و ابوالحسن مجتهد سلیمانی (۱۳۹۷)، ضرورت بازنگری عیوب مجوز فسخ نکاح، ج ۱، تهران: مجد.
- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: موسسه آل البیت.
- حسن زاده، محمد، مصلح، مرتضی و فغانی، محسن (۱۴۰۴)، بازپژوهی ماهیت «کراهت» در طلاق خلع. مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۳۶-۲۱۳. doi: 10.22075/feqh.2024.32561
- حلی، ابی منصور الحسن بن یوسف (۱۴۱۰ق)، ارشاد الأذهان الی أحكام الایمان، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- راستی، زهرا و اکرم اسماعیلی (۱۳۸۰)، انحلال نکاح به واسطه عیب، ج ۱، تهران: سفیر صبح.
- راسخ، محمد (۱۴۰۲)، حق و مصلحت، مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حقوق و فلسفه ارزش، ج ۲، چ ۸، تهران: نی.
- رشیدرضا، محمد (۱۴۱۴ق)، تفسیر القرآن الکریم (تفسیر المنار)، ج ۴، بیروت: دارالمعرفه.
- روشن، محمد (۱۴۰۰)، حقوق خانواده، ج ۳، تهران: جنگل.
- روشن، محمد و محمد صادقی (۱۳۹۵)، دانشنامه حقوقی خانواده، ج ۱، تهران: جنگل.
- زراعت، عباس (۱۳۹۱)، مبانی استنباط حقوق: اصول فقه در طرحی جدید، ج ۱، تهران: میزان.
- سابق، سید (۱۳۹۳)، فقه السنة، ترجمه محمود ابراهیمی، ج ۲، تهران: آراس.
- سیزواری، محمدباقر (۱۴۲۳ق)، کفایة الأحکام، ج ۲، چ ۱، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- صفایی، سید حسین و اسدالله امامی (۱۴۰۱)، حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن، چ ۱۴، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صفایی، سید حسین و اسدالله امامی (۱۴۰۲)، مختصر حقوق خانواده، چ ۶۰، تهران: میزان.
- طباطبایی حائری، سیدعلی (۱۴۱۸)، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، ج ۱۲، قم: موسسه آل البیت.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵ق)، تهذیب الأحکام، ج ۹، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۴، تهران: المكتبة المرتضویة.
- عباسی، محمود، میثم کلهرنیا گلکار، بهروز کلهرنیا گلکار، محسن رضایی یکدانگی (۱۳۹۱)، تعهدات و الزامات جراحان زیبایی و ترمیمی در گستره حقوق پزشکی، مجله حقوق پزشکی، ۶ (۲۲): ۱۳-۵۰.
- عبدالجلیل احمد، علی (۱۴۲۱ق)، أحكام الأسرة فی الشریعة الاسلامیة (فقها و قانونا)، مصر: مكتبة الاشعاع الفیة.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، قواعد عمومی قراردادها: اجرای قرارداد، ج ۴، چ ۵، تهران: انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳)، مبانی حقوق عمومی، ج ۲، تهران: میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، دوره مقدماتی حقوق مدنی: خانواده، چ ۶، تهران: میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵)، دوره مقدماتی حقوق مدنی: خانواده، چ ۱، تهران: یلدا.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱)، دوره حقوق مدنی خانواده، ج ۲، چ ۳، تهران: انتشار.
- کیائی، عبدالله (۱۳۸۸)، قانون مدنی و فتاوی امام خمینی، ج ۲، چ ۲، تهران: سمت.
- گلپایگانی، سید علی (۱۴۱۳ق)، هدایة العباد، قم: دار القرآن الکریم.
- مسجدسرائی، حمید و موسوی، مهوش سادات (۱۴۰۴)، امکان سنجی فقهی حقوقی انحلال نکاح در پرتو بیماری های نوظهور. مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۱۷ (۳۸): ۲۵۹-۲۹۸. doi: 10.22075/feqh.2023.29982.3527
- محقق حلی، ابوالقاسم جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، شرایع السلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۳، قم: اسماعیلیان.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۳)، بررسی فقهی حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن، چ ۲۲، تهران: علوم اسلامی.

- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۱)، **فقه پزشکی**، ج ۲، تهران: علوم اسلامی.
- محقق داماد، مریم‌السادات و معصومه منفرد مسقانی (۱۴۰۰)، **جراحی زیبایی و اختیار جدایی زوجه در نظام حقوقی ایران**، پژوهش‌نامه زنان، ۱۲ (۳)، ۱۴۹-۱۷۱.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۶)، **نظریه حقوقی اسلام**، ج ۱، چ ۱، قم: امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، **نظام حقوق زن در اسلام**، چ ۷۱، تهران: صدرا.
- معین، محمد (۱۳۸۱)، **فرهنگ فارسی معین**، ج ۱.
- ملکی، حسن (۱۳۸۷)، **مدیریت و برنامه‌ریزی امور خانواده**، زنجان: دانش.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹)، **تحریر الوسیله**، ج ۲، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- میرساردو، طاهره، کلدی، علیرضا، و عطایی، بهناز. (۱۳۸۹)، **رابطه بین عوامل اجتماعی - فرهنگی و گرایش زنان به جراحی زیبایی در بین زنان شهر کرج**. زن و مطالعات خانواده، ۳ (۱۰)، ۱۴۵-۱۶۴.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۲۲ق)، **رسائل و مسائل**، ج ۱، قم: کنگره بزرگداشت محققان ملامهدی و ملا احمد نراقی.
- نوبهار، رحیم و سیده ام‌البین حسینی (۱۳۹۷)، **حدود روابط جنسی زن و شوهر در چارچوب قاعده معاشرت به معروف**. خانواده پژوهی، ۱۴ (۱)، ۹۴-۷۵.
- نوبهار، رحیم و سیده ام‌البین حسینی (۱۳۹۴)، **قاعده «لزوم معاشرت به معروف» در روابط زن و شوهر**. خانواده پژوهی، ۱۱ (۱)، ۵۳-۷۲.
- نوری، حسین (۱۴۰۸ق). **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، بیروت: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث.
- American Board of Cosmetic Surgery. (2018). Cosmetic surgery vs. plastic surgery. Retrieved October 2, 2018, from <https://www.americanboardcosmeticsurgery.org/patient-resources/cosmetic-surgery-vs-plastic-surgery>
- American Society of Plastic Surgeons. (2018, October 5). More than \$16 billion spent on cosmetic plastic surgery. <https://www.plasticsurgery.org/news/press-releases/more-than-16-billion-spent-on-cosmetic-plastic-surgery>
- Berer, M. (2010). Cosmetic surgery, body image and sexuality. *Reproductive Health Matters*, 18(35), 4-10. [https://doi.org/10.1016/S0968-8080\(10\)35518-2](https://doi.org/10.1016/S0968-8080(10)35518-2)
- Hostiu, M., Hostiu, S., Rusu, M. C., & Isailă, O.-M. (2022). Physician-patient relationship in current cosmetic surgery demands more than mere respect for patient autonomy—Is it time for the anti-paternalistic model? *Medicina*, 58(9), 1278. <https://doi.org/10.3390/medicina58091278>
- Shiffman, M. A. (2001). Beauty in cosmetic surgery [Editorial]. *International Journal of Cosmetic Surgery and Aesthetic Dermatology*, 3(4), 233-234. <https://doi.org/10.1089/15308200152731983>
- Webster, R. C. (1987). Cosmetic surgery, aesthetic surgery, surgery of appearance, reconstructive surgery, and plastic surgery: Definitions. *The American Journal of Cosmetic Surgery*, 4(3), 197-200. <https://doi.org/10.1177/074880688700400322>

References

- Abbasi, Mahmoud; Meysam Kalahernia Golkar; Behrouz Kalahernia Golkar; Mohsen Rezaei Yekdanegi (2012), **Obligations and Liabilities of Cosmetic and Reconstructive Surgeons in the Field of Medical Law**, *Medical Law Journal*, 6(22), 13-50. [In Persian]
- Abd al-Jalil Ahmad, Ali (2000), **Ahkam al-Usrah fi al-Shari'ah al-Islamiyyah (Fiqhan wa Law)**, Egypt: Maktabat al-Isha'a al-Fanniyyah. [In Arabic]
- Abu Zohra, Mohammad (n.d.), **Muhazarat fi 'Aqd al-Zawaj wa Atharuhu**, Egypt: Dar al-Fikr al-'Arabi. [In Arabic]
- Al-'Ameli, Zayn al-Din ibn 'Ali (Shahid al-Thani) (1991), **Al-Rawzah al-Bahiyyah fi Sharh al-Lum'ah al-Dimashqiyyah**, Vol. 2, 1st ed., Qom: Islamic Propagation Office. [In Arabic]

- American Board of Cosmetic Surgery. (2018). **Cosmetic surgery vs. plastic surgery**. Retrieved October 2, 2018, from <https://www.americanboardcosmeticsurgery.org/patient-resources/cosmetic-surgery-vs-plastic-surgery>
- American Society of Plastic Surgeons. (2018, October 5). **More than \$16 billion spent on cosmetic plastic surgery**. <https://www.plasticsurgery.org/news/press-releases/more-than-16-billion-spent-on-cosmetic-plastic-surgery>
- Ansari, Baqer (2021), **Privacy Law**, 6th ed., Tehran: SAMT. [In Persian]
- Aslani, Hamid Reza (2010), **Information Technology Law**, in cooperation with the Information Technology Center of the Presidential Office, 2nd ed., Tehran: Mizan. [In Persian]
- Bahrani, Yusuf ibn Ahmad (1988), **Al-Hada'iq al-Nazirah fi Ahkam al-'Itrah al-Tahirah**, trans. Mohammad Taqi Irvani, Qom: Jame'eh-ye Modarresin. [In Arabic]
- Bazgir, Yadollah (2012), **The Civil Law in the Mirror of the Supreme Court Decisions (Family Law)**, Vol. 1, 5th ed., Tehran: Ferdowsi. [In Persian]
- Behnam, Jamshid (1977), **Family and Kinship Structures in Iran**, 3rd ed., Tehran: Kharazmi. [In Persian]
- Berer, M. (2010). **Cosmetic surgery, body image and sexuality**. *Reproductive Health Matters*, 18(35), 4–10. [https://doi.org/10.1016/S0968-8080\(10\)35518-2](https://doi.org/10.1016/S0968-8080(10)35518-2)
- Bostan, Hossein (2019), **Sociology of the Family with an Approach to Islamic Sources**, 7th ed., Qom: Research Institute of Hawzah and University. [In Persian]
- Emami, Seyyed Hassan (2004), **Civil Law**, Vols. 4 & 5, 14th & 17th eds., Tehran: Islamiyeh. [In Persian]
- Golpayegani, Seyyed Ali (1993), **Hidayat al-'Ibad**, Qom: Dar al-Qur'an al-Karim. [In Arabic]
- Hasanzadeh, Mohammad; Morteza Mosleh; Mohsen Faghani (2025), **Re-examination of the nature of hatred in divorce with emphasis**, *Semnan University: Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 17(40), 213-236. Doi: 10.22075/feqh.2024.32561.3773 [In Persian]
- Helli, Abi Mansur al-Hasan ibn Yusuf (1990), **Irshad al-Azhhan ila Ahkam al-Iman**, Qom: Islamic Publishing Foundation. [In Arabic]
- Hostiuc, M., Hostiuc, S., Rusu, M. C., & Isailă, O.-M. (2022). **Physician-patient relationship in current cosmetic surgery demands more than mere respect for patient autonomy—Is it time for the anti-paternalistic model?** *Medicina*, 58(9), 1278. <https://doi.org/10.3390/medicina58091278>
- Hurr al-'Ameli, Mohammad ibn al-Hasan (1993), **Wasa'il al-Shi'a ila Tahsil Masa'il al-Shari'a**, Qom: Al al-Bayt Institution. [In Arabic]
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (2007), **Intermediate Course in Civil Law: Family Law**, 4th ed., Tehran: Ganj-e Danesh. [In Persian]
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (2022), **Comprehensive Legal Terminology**, 9th ed., Tehran: Ganj-e Danesh. [In Persian]
- Jalalinejad, Mohammad & Abolhassan Mojtahed Soleimani (2018), **The Necessity of Revising the Defects Permitting Annulment of Marriage**, 1st ed., Tehran: Majd. [In Persian]
- Katouzian, Nasser (1992), **Civil Law of Family**, Vol. 2, 3rd ed., Tehran: Ente-shar. [In Persian]
- Katouzian, Nasser (1996), **Introductory Course of Civil Law: Family**, 1st ed., Tehran: Yalda. [In Persian]
- Katouzian, Nasser (2004), **Foundations of Public Law**, 2nd ed., Tehran: Mizan. [In Persian]
- Katouzian, Nasser (2008), **General Rules of Contracts: Performance of Contract**, Vol. 4, 5th ed., Tehran: Ente-shar. [In Persian]
- Katouzian, Nasser (2008), **Introductory Course of Civil Law: Family**, 6th ed., Tehran: Mizan. [In Persian]
- Kiaei, Abdollah (2009), **Civil Law and the Fatwas of Imam Khomeini**, Vol. 2, 2nd ed., Tehran: SAMT. [In Persian]

- Masjedsaraie, Hamid; Mahvash Sadat Mousavi (2025), **Jurisprudential and Legal Feasibility of Marriage Dissolution in Light of Emerging Diseases**, Semnan University: Islamic Law and Jurisprudence Studies, 17(38), 259-298. Doi: 10.22075/feqh.2023.29982.3527
- Maleki, Hassan (2008), **Family Management and Planning**, Zanjan: Danesh. [In Persian]
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2007), **Theory of Islamic Law**, Vol. 1, 1st ed., Qom: Imam Khomeini Institute. [In Persian]
- Mirsardo, Tahereh; Alireza Kaldi; Behnaz Ataei (2010), **The Relationship between Socio-Cultural Factors and Women's Tendency toward Cosmetic Surgery among Women in Karaj**, Journal of Woman and Family Studies, 3(10), 145–164. [In Persian]
- Mohaqqueq Damad, Seyyed Mostafa (2012), **Medical Jurisprudence**, 2nd ed., Tehran: Oloum-e Eslami. [In Persian]
- Mohaqqueq Damad, Seyyed Mostafa (2024), **A Jurisprudential Study of Family Law: Marriage and Its Dissolution**, 22nd ed., Tehran: Oloum-e Eslami. [In Persian]
- Mohaqqueq Damad, Maryam al-Sadat & Masoumeh Monfared Masqani (2021), **Cosmetic Surgery and the Wife's Right to Separation in the Iranian Legal System**, Women's Research Journal, 12(3), 149–171. [In Persian]
- Mohaqqueq Helli, Abu al-Qasim Ja'far ibn Hasan (1987), **Shara'i' al-Islam fi Masa'il al-Halal wa al-Haram**, Vol. 3, Qom: Esmā'iliyan. [In Arabic]
- Moein, Mohammad (2002), **Moein Persian Dictionary**, Vol. 1. [In Persian]
- Motahhari, Morteza (1997), **The System of Women's Rights in Islam**, 71st ed., Tehran: Sadra. [In Persian]
- Musavi Khomeini, Seyyed Ruhollah (2000), **Tahrir al-Wasilah**, Vol. 2, Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islami. [In Arabic]
- Naraqi, Ahmad ibn Mohammad Mahdi (2001), **Rasa'il wa Masa'il**, Vol. 1, Qom: Congress for the Commemoration of Mulla Mahdi and Mulla Ahmad Naraqi. [In Arabic]
- Nobahar, Rahim & Seyyedeh Ommolbanin Hosseini (2018), **The Limits of Sexual Relations between Spouses within the Framework of the Principle of Good Conduct**, Family Research Journal, 14(1), 75–94. [In Persian]
- Nobahar, Rahim & Seyyedeh Ommolbanin Hosseini (2015), **The Principle of "Obligation of Good Conduct" in Spousal Relations**, Family Research Journal, 11(1), 53–72. [In Persian]
- Nouri, Hossein (1988), **Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il**, Beirut: Mu'assasat Al al-Bayt li Ihya' al-Turath. [In Arabic]
- Olson, Merrill & Mary Olson (2009), **Cosmetic Surgery**, trans. Shahrouz Farhang, 1st ed., Tehran: Kelid-e Amouzesh. [In Persian]
- Rasekh, Mohammad (2023), **Right and Interest: Articles on the Philosophy of Law, Legal Philosophy and Value Philosophy**, Vol. 2, 8th ed., Tehran: Ney. [In Persian]
- RashidReza, Mohammad (1993), **Tafsir al-Qur'an al-Karim (Tafsir al-Manar)**, Vol. 4, Beirut: Dar al-Ma'rifah. [In Arabic]
- Rasti, Zahra & Akram Esmaeili (2001), **Dissolution of Marriage Due to Defect**, 1st ed., Tehran: Safir-e Sobh. [In Persian]
- Roshan, Mohammad & Mohammad Sadeghi (2016), **Encyclopedia of Family Law**, 1st ed., Tehran: Jangal. [In Persian]
- Roshan, Mohammad (2021), **Family Law**, 3rd ed., Tehran: Jangal. [In Persian]
- Sabzevari, Mohammad Baqer (2002), **Kifayat al-Ahkam**, Vol. 2, 1st ed., Qom: Islamic Publishing Institution. [In Arabic]
- Sabiq, Sayyid (2014), **Fiqh al-Sunnah**, trans. Mahmoud Ebrahimi, Vol. 2, Tehran: Aras. [In Persian]
- Safaei, Seyyed Hossein & Asadollah Emami (2022), **Family Law: Marriage and Its Dissolution**, 14th ed., Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]

- Safaei, Seyyed Hossein & Asadollah Emami (2023), **Concise Family Law**, 60th ed., Tehran: Mizan. [In Persian]
- Shiffman, M. A. (2001). **Beauty in cosmetic surgery** [Editorial]. *International Journal of Cosmetic Surgery and Aesthetic Dermatology*, 3(4), 233–234. <https://doi.org/10.1089/15308200152731983>
- Tabatabaei Haeri, Seyyed Ali (1997), **Riyaz al-Masa'il fi Tahqiq al-Ahkam bi al-Dala'il**, Vol. 12, Qom: Al al-Bayt Institution. [In Arabic]
- Tavassoli, Gholamabbas & Fatemeh Modiri (2012), **An Investigation of Women's Tendency toward Cosmetic Surgery in Tehran**, *Journal of Women's Psychological-Social Studies*, 10(1), 61–80. [In Persian]
- Tusi, Mohammad ibn al-Hasan (1986), **Tahzeib al-Ahkam**, Vol. 9, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Tusi, Abi Ja'far Mohammad ibn al-Hasan (1968), **Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyyah**, Vol. 4, Tehran: Al-Maktabah al-Murtadawiyyah. [In Arabic]
- Zera'at, Abbas (2012), **Foundations of Legal Reasoning: Principles of Jurisprudence in a New Approach**, 1st ed., Tehran: Mizan. [In Persian]
- Webster, R. C. (1987). **Cosmetic surgery, aesthetic surgery, surgery of appearance, reconstructive surgery, and plastic surgery: Definitions**. *The American Journal of Cosmetic Surgery*, 4(3), 197–200. <https://doi.org/10.1177/074880688700400322>

چکیده مبسوط

Extended Abstract

The Legal Status of Demanding Cosmetic Surgery within the Spouses' Relationships and the Limits of Its Enforceability

Dr. Mohammad Roshan⁸

Masoud Mahmoudi⁹

¹ Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. m-roshan@sbu.as.ir

² Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (corresponding author): ma_mahmoudi@sbu.ac.ir

Introduction: The family is a fundamental social institution that performs essential functions such as regulating sexual relations, satisfying emotional needs, ensuring reproduction, and maintaining the continuity of human society. The formation and stability of family life depend on an emotional relationship based on mutual consent, respect, and satisfaction between spouses. In contemporary society, increasing attention to physical appearance has influenced interpersonal expectations within marital relationships. As a result, situations may arise in which one spouse expresses dissatisfaction with the physical appearance or bodily condition of the other and demands the performance of a specific cosmetic surgery. This situation raises an important legal question: Can such a demand be realized within the Iranian legal system, and is it legally enforceable? The issue becomes particularly complex when examined in light of marital duties, including marital obedience (*tamkin*), the husband's authority (*paterfamilias*), and proper conduct (behaving reasonably in marital relationship), as well as general principles governing personal autonomy, bodily integrity, and contractual obligations. The present study aims to clarify the juridical position of such demands and to determine the limits of their enforceability by examining statutory rules, general legal principles, and contractual frameworks.

Literature Review: Legal discussions concerning marital relations in Iranian law have traditionally focused on the scope and content of spousal duties such as marital obedience (*tamkin*), the husband's authority (*paterfamilias*), and proper conduct (behaving reasonably in marital relationship). Classical interpretations often emphasized hierarchical family structures and the managerial role of the husband. However, contemporary legal thought increasingly interprets these concepts in light of principles such as mutual interests, proportionality, and the protection of personal rights. In parallel, studies related to cosmetic surgery have primarily addressed medical liability, informed consent, and the legality of aesthetic procedures within the field of medical law. The specific question of whether cosmetic surgery may be demanded within marital relations has received little independent attention. Scholarly discussions on contractual autonomy within marriage have recognized the validity of conditions included in the marriage contract, provided that such conditions meet the general requirements of validity. Nevertheless, the possibility of stipulating conditions related to bodily alterations and the limits of their enforcement remain insufficiently analyzed. Furthermore, modern legal scholarship increasingly emphasizes the protection of human dignity, personal autonomy, and bodily integrity as fundamental values that limit the scope of authority within family relationships. The present study contributes to the literature by integrating these principles with family law obligations and contractual analysis to provide a coherent legal framework for evaluating demands for cosmetic surgery between spouses.

Methodology: This research adopts a descriptive-analytical method based on library sources. Relevant statutory provisions of Iranian civil law, doctrinal writings, and jurisprudential principles have been examined and interpreted. The analytical framework consists of three stages. First, the study evaluates whether family law provisions—particularly *tamkin*, *paterfamilias*, and proper conduct—can serve as a legal basis for demanding cosmetic surgery. Second, the issue is examined in light of fundamental legal principles, including freedom of will, bodily integrity, human dignity, and the prohibition of imposing harmful or unreasonable obligations. Third, the research analyzes the enforceability of such demands within the framework of general contract law, particularly where a specific cosmetic surgery is stipulated as a condition precedent within the marriage contract or through an independent agreement. This structured approach enables the identification of both the general rule governing such demands and the exceptional circumstances under which they may acquire legal relevance.

Results and Discussion: The findings demonstrate that, as a general rule, spouses cannot be legally compelled to undergo cosmetic surgery. The scope of tamkin relates to relational and marital duties and does not extend to bodily modifications that affect physical integrity and personal autonomy. Second, the husband's authority (paterfamilias), as recognized in Iranian law, no longer implies unilateral domination or control over the spouse. Its contemporary interpretation is limited by considerations of family welfare, proportionality, and the protection of individual rights. Therefore, invoking this authority to justify a demand for cosmetic surgery would be inconsistent with the principles of personal dignity and bodily autonomy. Third, the obligation of proper conduct (behaving reasonably in marital relationship) imposes ethical duties such as mutual respect, cooperation, and consideration of the spouse's emotional needs. However, this obligation has a moral and relational character and cannot serve as a legal basis for imposing medical or surgical interventions on another person's body. Although social or customary expectations regarding appearance may exist, such expectations lack binding legal force and remain dependent on the individual's voluntary consent and personal interests. An exception arises within the framework of contract law. Where a specific cosmetic surgery is explicitly stipulated as a condition precedent within the marriage contract or in a separate agreement, and where the condition satisfies the general requirements of validity—namely possibility, legality, rational benefit, and the absence of significant bodily harm—it may be regarded as legally valid. Nevertheless, even in such cases, physical coercion or specific performance is not legally permissible due to the personal and bodily nature of the obligation. The available legal remedy is limited to contractual liability and compensation for damages resulting from non-performance. This limitation reflects the personal and ethical nature of marriage, which restricts the full application of general enforcement mechanisms of contract law.

Conclusion: The study concludes that the Iranian legal system does not recognize a general right for either spouse to demand or legally compel cosmetic surgery. Family law provisions such as tamkin, paterfamilias, and proper conduct cannot serve as a legal basis for such demands. The protection of personal autonomy, bodily integrity, and human dignity establishes a strong presumption against the enforceability of such requests. Only in exceptional cases, where a valid and explicit contractual condition exists, may such a demand acquire legal relevance. Even then, enforcement is limited to financial consequences rather than physical compulsion. The findings highlight the necessity of recognizing and strengthening the protection of bodily integrity and individual decision-making within marital relations. From a practical perspective, the results provide guidance for courts and legal practitioners in evaluating similar disputes and in drafting marital conditions. It is recommended that future legislative developments explicitly clarify the limits of contractual commitments related to bodily alterations in order to ensure consistent legal interpretation and to safeguard fundamental personal rights within the family.

Keywords: Cosmetic surgery; demand; paterfamilias; submission (tamkin); reasonable behavior; condition of performance

References: Roshan, M., & Mahmoudi, M. (2026). The legal status of demanding cosmetic surgery within the spouses' relationships and the framework of its enforceability. Semnan University: *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, ...